

تأملی بر نقش «گردشگری» در احیای تمدن نوین اسلامی

تأملی بر نقش «گردشگری» در احیای تمدن نوین اسلامی

دکتر محمد خطیب و حسین ساعدی

عضو هیأت تدریس دانشکده باستان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

استاد و مدرس گروه معارف دانشگاه علمی کاربردی لوله ساری اهواز، ایران

چکیده:

با ظهور اسلام و پیشرفت و گسترش آن، به تدریج تمدنی پدید آمد، که امروزه بنام تمدن اسلامی یا تمدن مسلمانان مشهور است. ناگفته پیداست مدنیت و تمدن در روح اسلام جاری است و این دین آن گاه که ظاهر شد مدنیت خویش را در مدینه و سپس در اطراف و اکناف جهان آشکار ساخت. در واقع، تمدن نوین اسلامی همان احیای تمدن اسلامی است که اوج شکوفایی آن در سده چهارم هجری بود و با عنوان «رنسانس اسلامی» شناخته میشود. در این راستا، بررسی ابعاد نظری گفتمان در حال شکل گیری تمدن نوین اسلامی و استخراج الگوهای مبتنی بر عقلانیت، علاوه بر تقویت پشتوانه ی نظری و کمک به گفتمان سازی، برای نمایش گذراندن آن در معرض اندیشه ها، امری مهم و در خور توجه است، که «گردشگری اسلامی» به عنوان «ایده

قوام بخش» و مورد اهتمام تحقیق حاضر، میتواند راهبردی کاربردی برای تحقق این امر باشد. نتیجه تحقیق، اذعان دارد تمدن نوین اسلامی بر آن است تا با بهره گیری از آموزه های دینی و همچنین بهره مندی از دستاوردهای تمدن بشری، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که بتواند تمامی جنبه های تمدن مدنی را برداشته باشد، لذا بدیهی است راهبرد اولیه در این راستا آشنایی با ذات تمدن اسلامی است و رهگذر «گردشگری اسلامی» عملیاتی ترین ایده واهرم نتیجه بخش و هدفمند آن به شمار میآید.

کلیدواژه ها: تمدن اسلامی، احیا، گردشگری، ایده ها، راهبردها

A reflection on the »Tourism« Role in Rebirth of New Islamic Civilization

Dr. Mohammad Khatib*

Hussein Saedi**

*Member of Archaeology Faculty in Shahid Chamran University of Ahvaz

** Lecturer of Islam Sciences in Ahvaz Pipe Industrial Company's University of Applied Science & Technology

ABSTRACT

With rise and development of Islam, there gradually appeared a civilization which is now known as Islamic civilization. Needless to say, the civilization was in Islam in spirit and it is affirmed when the Islam first confirmed its civilization in Medina and then it was revealed around the world. in fact, the new Islamic civilization was a variant of rebirth of Islamic civilization where it was flourished in the fourth century H.A known as» Islamic

Renaissance». In this direction, a study of the forming theoretical discourses' aspects of the new Islamic civilization and extracting the rational-based patterns, in addition to boost a supportive theory and discourse making to introduce it to the schools of thoughts, would be important. The purpose of the present study is to introduce the »Islamic Tourism« as a »Constitutive Idea« in order to make this strategy actual. The results indicate that the new Islamic civilization is to use the Islamic teachings as well as the achievements of humans to create a new civilization that covers all the civilizing aspects. Therefore, it is clear that the primary strategy is to understand the Islamic civilization inherently and the Islamic Tourism would be the most practical and promising idea in this direction.

Keywords: Islamic civilization, rebirth, tourism, ideas, strategies

مقدمة

تمدن اسلامي با بعثت پیامبر شروع شد و با دستاوردهای مختلفی که در زمینه های گوناگون به دست آورد، توانست جایگاه والایی به خود اختصاص دهد، اما به مرور زمان و با گذشت چندین قرن دچار رکود شد. ناگفته پیداست آنچه که تمدن اسلام را به پیشرفت رساند توجه به تمام جنبه های مادی و معنوی بشر بود که به مرور زمان کم رنگ شد.

همچنین چنانچه روشن است سخن از تمدن نوین اسلامی قطعاً نمی تواند به معنای ایجاد یک تمدن نوین باشد. اگر واضعان این اصطلاح، پی ریزی تمدنی جدید را پی میجویند مسلماً خطا میکنند زیرا مدنیت و تمدن در روح اسلام جاری است و این دین آن گاه که ظاهر شد مدنیت خویش را در مدینه و سپس در اطراف و اکناف جهان آشکار ساخت. بنابراین آنچه ذاتی اسلام است و خود بیش از پیروانش، در پی تجلی ظهور و تحقق آن است نمی تواند به عنوان جعل و وضعی نوین مورد توجه قرار گیرد.

اما میتوان از ویرایش، نوسازی، بازسازی یا احیاء یک تمدن سخن گفت. همچنان که بنای یک عمارت شکوهمند بر اثر مرور زمان سست میشود، تمدن‌ها نیز بر اثر عوامل مختلف مستعدانه زمان رو به فرسودگی می‌روند، اما در همه اعصار و ادوار یک فرهنگ و تمدن، هستند معماران و سازندگان و اندیشمندانی که ساختارها را با «نو کردن ایده‌ها» قوام می‌بخشند.

در این میان نقش «گردشگری اسلامی» به عنوان ایده‌ای نو و کاربردی نقشی تعیین‌کننده و بسیار تأثیرگذار است. نه صرفاً بدلیل جذابیت‌های ذاتی سفر، بلکه به دلیل «اهمیت شگرف و عظیمی» که امروزه در ظهور و قوام تمدن‌ها ایفا میکنند.

اگر تا دیروز، گردشگری به معنای عام، تجلی‌زیبایی‌شناختی در قالب و فرم صرفاً گذرانی و ذوق‌پسند بود اینک خود، جزء مهم و بنیادی یک فرهنگ و تمدن محسوب میشود. بنابراین نقش و کارکرد گردشگری در جوامع امروزی چنانکه اشاره کردیم نقشی است سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده. نقشی که هم با تمدن‌های دیروز نسبت دارد و هم با تمدن‌های فردا.

تعمق در معنا و کارکرد آن نشان‌میدهد، بدون تردید سند ماندگاری و پایداری و توسعه تمدن‌های گذشته و برنامه‌ای برای تمدن‌های آینده است. در این میان نقش و کارکرد تمدنی گردشگری در جهان اسلام یا همان «گردشگری اسلامی» ویژه و منحصر به فرد است.

دوران تمدن اسلام

دوران شکوفایی تمدن اسلام از قرن دوم آغاز و تا قرن دوازدهم ادامه دارد و در این مدت، فرازونشیب‌های بسیاری داشته است. عظمت تمدن و فرهنگ یک ملتی با توجه به نکته‌های گوناگون و بررسی مسائل مختلف روشن میشود: گسترش سرزمین، ثروت، فرهنگ، آثار معماری و هنری، پیشرفت در دانش‌های گوناگون، ادبیات، صنعت و ابزارها و مراکز علمی مانند: آموزشگاه‌ها، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، گروه‌ها، مقامات دولتی و علمی (دانشمندان)، وضعیت اداری، سیاسی، قضائی، اقتصادی، وضعیت اجتماعی اقوام مختلف اندیشه‌های گوناگون مذهبی و اقلیتهای دینی، آسایش عمومی، وضعیت حقوقی زنان، آداب و رسوم

اجتماعي در سطوح مختلف و بررسی عوامل و علل رواج آن به گونه ای که به صورت فرهنگ درآمد است.

گردشگری نیز، از ویژگی های مهم تمدن است که هم با آموزش دانش ها و تبادل دیدگاهها و هم با رشد اقتصادی و امنیت اجتماعی در پیوند است.

با ویژگی هایی که یاد شد درخشان ترین دوران تمدن اسلام را قرن چهارم دانسته اند و به تحلیل و بررسی گزاره های آن پرداخته اند. در این زمان، سرزمین اسلام از نظر وسعت و گستره از هند تا اندلس و از دربند قفقاز تا زنگبار در آفریقا بوده (1) که در قرن های بعد گسترش یافته است. در قرن چهارم حکومت های محلی نیز سر بر آوردند و در کاروان تمدن اسلام شریک شدند؛ اما آنچه مهم مینمود و لازمه یک تمدن بزرگ به شمار میرود، وحدت ایجاد شده (2) بر پایه اسلام بود که بر همه جا سایه گسترانده بود و دانشمندان، مورد احترام تمام حکومت های منطقه ای بودند و گردش در تمام شهرها و یا جامعه های اسلامی برای آنان میسر بود و گونه ای رقابت در جذب دانشمندان بین حکمرانان مناطق کشور اسلامی احساس میشد. البته در مواردی دانشمندان از آسیب در امان نبودند و برای حفظ جان خویش ناچار به سفر بودند. این دوران طلایی (قرن چهارم) به مرور رو به رکود نهاد. عوامل خارجی و داخلی چندی در آن رکود نقش داشت. سخن ما از گردشگری در تمدن اسلامی در محدوده قرن دوم تا قرن دوازدهم است که شماری از مسلمانان و گروهی از غربیان به گردشگری در جهان اسلام و دنیا پرداخته اند، دورانی که با فراز و نشیب هایی که داشت، میتوان، آن را دوره تمدن اسلام نامید.

گردشگری در اسلام

قرآن کریم، در بیش از شش آیه فرمان به سیر در زمین میدهد (3) و در بیش از هفت آیه به گونه استفهام، به سیر در زمین فرا میخواند (4) تا آثار گذشتگان دیده شود و افراد از آن عبرت گیرند. در سوره عنکبوت دستور به سیر میدهد برای آگاهی از چگونگی و آفرینش و در آیه دیگری سیر را برای خردورزی در مسائل و آگاهی از وضعیت گذشتگان مطرح میسازد (5) و در آیه ای دیگر برای آگاهی از سنت های گذشتگان، سیر را واجب میداند و آن را توضیح و بیانیه ای برای مردم و سبب هدایت پارسایان می شمارد:

«قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین هذا بیان للناس و هدی و

پیش از شما سنت هایی وجود داشت [و هر قوم برابر رفتار و صفات خود سرنوشت هایی داشتند که همانند آن را شما نیز دارید] پس در روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود؟ این بیانی است برای عموم مردم و هدایت و اندرزی است برای پرهیزکاران.

و همین تشویق ها و آیات و روایاتی که در تشویق به علم آموزی وارد شده است، در ایجاد روحیه جست و جوگری در میان مسلمانان نقش داشت و آنان، برای گسترش علم و دانش و آگاهی از اوضاع جهان در مناطق گوناگون به گردشگری میپرداختند و یا خلیفه گروه هایی را برای تحقیق درباره رخدادهای تاریخی که در قرآن آمده، اعزام میکرد. خلیفه عباسی واثق بالله (حکومت 227 تا 232/هـ 842 تا 848 م.) محمد بن موسی خوارزمی (م: 205) ستاره شناس معروف و مسؤول کتابخانه دارالحکمه مامون (7) را برای تحقیق درباره اصحاب کهف به روم فرستاد. (8)

و همان خلیفه، سلام ترجمان را که گفته اند: به سی زبان سخن میگفته، همراه با کاروانی مجهز به آذوقه یکسال، به منطقه ارمنستان و خزر فرستاد تا درباره سد یاجوج و ماجوج به تحقیق بپردازد. (9) و همین علاقه به تحقیق و جستجو، دانشمندان را به سفرها و رحله های علمی سوق میداد و شماری نیز به گردشگری میپرداختند. گردشگران مسلمان با دقت و تحقیقی که در مناطق گوناگون جهان داشتند، توانستند کتاب هایی در باب تاریخ و جغرافیا و شگفتی های جهان به جای بگذارند و گزارش دقیق از فاصله شهرها، موقعیت آنها، مراکز مهم و دیدنی به جای مانده از گذشتگان و نکته های شگفت انگیز ارائه دهند و در مردم شناسی و گزارش آداب و رسوم نژادهای گوناگون، موفق باشند. با وحدت نسبی که بر دنیای اسلام حکمفرما بود، به نظر میرسد، محدودیتی برای گردش و سفر وجود نداشته و اگر پدیده ای رخ میداده، تنها بر اثر ناآرامی منطقه ای بوده است و گرنه سیاحان و دانشمندان از منزلت بالایی نزد مردم و حاکمان برخوردار بودند و رمز تقدیم کتاب ها به حکام و رهبران سیاسی، از این تشویق ها و ارزش گذاری ها نشأت میگرفته است.

نقش گردشگری در تمدن اسلام

بی گمان، گردشگری در ایجاد تمدن ها و رشد آن نقش اساسی دارد. شماری از صاحب نظران بر این باورند

که هجرت لازمه یک تمدن است و نخستین تمدن های بزرگ که در بین النهرین به وجود آمده از مهاجرت آرامی ها به بین النهرین سرچشمه گرفته است. (10) هجرت وقتی تمدن ساز است که با هدف و انگیزه ای عالی همراه باشد. دریافت آثار پیشینیان و بهره وری از آنها با هجرت و گردشگری هدف مند، ممکن میشود. سفر آنان که نقش آفریده اند به مراکز علمی برای دستیابی به کتاب های پیشینیان و نسخه های خطی و بهره مندی از علم دانشمندان انجام میپذیرفته است. بسیاری از دانشمندان کتاب های خود را در سفر نگاشته اند. ابن سینا بخش های منطق، مجسطی، اقلیدس، ریاضیات، موسیقی کتاب شفا را در اصفهان به پایان رساند کتاب الانصاف خود را نیز در اصفهان نوشت. (11)

شهر بصره و کوفه از سابقه علمی برخوردار بودند، ولی با رونق شهر بغداد که مرکز خلافت اسلامی بود، این شهر مرکزیت علمی یافت و در آن جا تمام کتاب های پیشینیان مورد توجه قرار گرفت و به عربی ترجمه شد. از باب نمونه «اثولوجیا» افلوطین به دستور معتصم عباسی توسط عبدالمسیح بن عبدالمعین بن ناعمه حمصی و با نظارت ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی (م: 258/871م.) به عربی ترجمه شد.

دانشمندان و طالبان علم از سرتاسر جهان اسلام به بغداد میآمده اند. خطیب بغدادی در کتاب تاریخ خود که شرح حال دانشمندان و بزرگان وارد در بغداد را تا سال 463ه/1071م. نگاشته، زندگی نامه 7799 تن دانشمند مرد و 32 تن دانشمند زن را یاد کرده است. (12)

دانشمندی مسلمان درباره نقش سفرهای علمی در باروری علم و تمدن در اسپانیا مینویسد:

«سفر از اندلس به سوی شرق در میان دانشمندان رواج بسیار داشت؛ زیرا که جریان تمدن ساز همواره از مرکز به سمت نقاط کم فرهنگ تر روان میشود. اندلس در آغاز بر علوم شرقی بسیار تکیه میکرد و آنها را همچون سرمنشا و اساس شناخت خود میشمرد. به همین دلیل مسافرت عامل تقویت و تایید پیوند میان دو طرف شد و به زندگی علمی و فرهنگی اندلس امکان رشد و توسعه داد. این مسافرت ها به اندلس امکان دادند تا از صورت کشور به نسل عقب مانده و وابسته به مشرق، به صورت رقیب و گاهی بالاتر از آن درآید.» (13)

لازم به یادآوری است که دیدن و گزارش پیشرفت های دیگران، آن گاه در ترقی ملتی اثر دارد که خود را باور کرده باشند و به استعداد و توانایی خود اعتقاد داشته باشند. در غیر آن، این آگاهی ها زمینه جذب و وابستگی به بیگانگان را فراهم میسازد و اصل خویش را از یاد خواهند برد که در ادامه به نمونه هایی از آن اشاره خواهد شد. این گردش ها علاوه بر انتقال علوم، در ایجاد پیوند و دوستی بین

ملت ها و انتقال فرهنگ و آداب و رسوم پسندیده به دیگر منطقه ها، دادوستدهای اقتصادی و تجاری و یادگیری مهارت‌ها و معماری‌ها نقش داشته است.

آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» درباره سفرنامه ها و فایده و نتیجه های آنها در بالا بردن پایه های علمی جامعه، مینویسد:

«رحله یا سفرنامه، به کتابی گفته میشود که نویسنده آنچه را در شهر یا شهرهایی که به آن جا سفر کرده از اخبار مردم، عقائد، آداب و رسم های آنان، در زندگی و مرگ دیده و شنیده گردآورده است یا در آن کتاب، گزارش سفر دیگری را ارائه کرده است. در گذشته این گونه کتاب ها اثر فراوانی در بالا بردن اندیشه های ملتها داشته است؛ زیرا آمیختگی فرهنگ ها، راه را برای نرم کردن و مهربانی و مهرورزی های بشری فراهم میسازد. کمی وسیله های نقلیه و سختی سفر در گذشته، مهم ترین بازدارنده در این راه بوده است. به گونه ای که اگر کسی اقدام به مسافرت طولانی میکرد و به شهرهای دور میرفت، مردی شجاع و قهرمان و آگاه و با تجربه شناخته میشد. ولی سختی ها مانع حرکت تاریخ به جلو نشد. در طول زمان مردان جهانگرد و گردشگری پیدا شدند که مشهور شدند و به مناطق دور دست، سفر کردند و اطلاعاتی را جمع و فراهم کرده و آنچه در سفرها دیدند نگاشتند.» (14)

به طور معمول گردشگران موفق کسانی بودند که از سفرنامه های پیشینیان بهره میبردند و با استفاده از مطالب آنها به کامل کردن اطلاعات خویش میپرداختند و بیش تر آنان را افراد با انگیزه و دانشمند تشکیل میداد.

اوج و فرود گردشگری در جهان اسلام

با دقت در سفرنامه هایی که به جاي مانده به این نتیجه میرسیم که آنچه از قرن سوم تا قرن هفتم وجود دارد، سیاحت مسلمانان است به کشورهای خاورمیانه و خاور دور، مانند: ژاپن و آفریقا و اروپا. گردشگران مسلمان گزارش سفر خویش را در کتاب های جغرافیائی و یا در تحقیقات تاریخی و عقیدتی ارائه داده اند. و در این دوران خبری از رفت و آمد سیاحان اروپایی و مردمان غرب مسیحی نیست. و گویا آنان هیچ گونه ای علاقه ای به گردشگری نداشته اند. گاه گاهی به یک گردشگر و تاجر یهودی غربی در بلاد شرق بر میخوریم. از قرن هشتم به بعد، بویژه در قرن دهم میبینیم که جریان گردشگری به طور دقیق

به عکس جریان یافته است. گردشگران مهم را غربیان تشکیل میدهند که به سرزمینهای شرق روی آورده و گزارش های گوناگونی از آداب، میراث فرهنگی، شیوه های حکومتی، اجناس و محصولات شهرهای اسلامی داده اند و خبری از گردشگران مسلمان نیست و یا اگر رحله هایی وجود دارد، در محدوده سفر حج و از منطقه ای اسلامی به منطقه ای دیگر است. در این مقطع کم تر کسی با سیاح مسلمان در مغرب زمین برخورد میکند. در این دوران سفرنامه نویسی و گردشگری در اختیار گردشگران غربی است و در دنیای اسلام علاقه ای به آن دیده نمی شود. رمز این تغییر و دگرگونی چیست؟ چرا کسانی که علاقه ای به گردشگری نداشتند، به حرکت و تکاپو میافتند و مردمانی که در دوران سخت دنیا را میپیمودند بی تمایل به سفر میشوند؟ به نظر میرسد که علت عمده این تغییر با رشد اقتصادی و فرهنگی جامعه ها بستگی دارد. زمانی که دنیای اسلام و جهان شرق، پرچمدار تمدن و پیشرفت بودند و برای دستیابی به حقائق و علوم تلاش میکردند. گردشگری در شرق از رونق بالایی برخوردار بود و سیر و سیاحت در اختیار مشرقیان مسلمان؛ زیرا هم از تواناییهای مادی لازم برخوردار بودند و هم به کسب دانش و نشر آن اهمیت میدادند و هم دانشمندان جامعه از ارزش والایی برخوردار بودند. در آن زمان دنیای غرب مسیحی دوران تاریک قرون وسطی را میپیمود و مردمان آن از آگاهی های علمی بی بهره بودند و از جهت فرهنگی و اقتصادی دوران نکبت و سیاهی را میگذراندند. از این روی، جایی برای سیر و سیاحت در اندیشه آنان نبود. آن زمان که دنیای غرب راه پیشرفت را در پیش گرفت، سیر و سیاحت فرنگیان به دنیای شرق آغاز شد.

آنچه مسلم است کسی میتواند گردشگر شود که از تواناییهای مادی کافی برخوردار باشد چه آن ابزار را دولت در اختیار او قرار دهد و یا خود از ثروت کافی بهره مند باشد و یا این که با تجارت و کار، سفرهای خویش را ادامه دهد و یا مانند عرفا و متصوفه کشکول به دست سرزمین ها را درنوردد. امروز نیز، جریان گردشگری از غرب به شرق، رونق بیش تری دارد و این ناشی از توسعه و پیشرفت علمی و توان اقتصادی آنهاست؛ چرا که دنیای اسلام هنوز به مرحله رشد کافی نرسیده و خود باوری کامل را در نیافته است.

انگیزه های جهانگردان مسلمان

گردشگری در تمدن اسلامی، به انگیزه های گوناگونی انجام میپذیرفت و افراد را از خانه و وطن، به سرتاسر جهان میکشاند و به ترک اقوام و نزدیکان تشویق میکرد که به مهم ترین آنها اشاره میشود:

1. کسب دانش: علاقه به دانش انسان را به حرکت و هجرت وا میدارد. آوازه مراکز علمی بزرگ و شخصیت‌های ساکن در شهرهای گوناگون، اشخاص را به تکاپو و حرکت فرا میخواند. بسیاری از شخصیت‌های فرهیخته علمی کسانی هستند که در پی فراگیری دانش به سیر و سفر پرداخته اند و این مهم در تمام رشته های علوم اسلامی شواهد و مدارک دارد.

نهضتی که در قرن دوم و سوم هجری برای گردآوری حدیث ایجاد شده بود، افراد علاقه مند را وادار ساخت که به گردشگری برای ثبت و اندوختن حدیث بپردازند. شیخ صدوق (م: 381/هـ/1002م.) سفر خود را برای گردآوری حدیث از رجب سال 339/هـ/950م تا سال 347/هـ/985م. ادامه داد. او از قم و ری به مشهد رفت و در شهرهای نیشابور، مرو، بغداد، کوفه، مکه، فید، همدان، بلخ، سرخس، ایلاق، سمرقند و فرغانه به گردآوری حدیث پرداخته (15) و کتابهای مفیدی مانند: من لایحضره الفقیه، عیون الاخبار، علل الشرایع، معانی الاخبار، توحید، خصال و ثواب الاعمال، با باب بندی و موضوعات ابتکاری را نگاشته است.

ابن عساکر (م: 571/هـ/1176م.) صاحب کتاب گرانسنگ تاریخ دمشق، اهتمام زیادی به کسب حدیث داشت. وی، در این کتاب، شرح حال تمام کسانی را که از اول اسلام تا زمان وی به شهر دمشق آمده بودند نگاشته و دو سفر علمی به نقاط مختلف دنیای اسلام داشته است.

سفر اول: نخست به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه و دیگر حوزه های علمیه آن شهر حدیث شنید، فقه و خلاف و نحو آموخت. در سال 521/هـ/1117م. به مکه رفت و در مکه و مدینه از کسان بسیاری حدیث شنید. در بازگشت از مکه 525/هـ/1131م. در بغداد ماند. در خلال 5 سالی که در بغداد بود از شهرهای کوفه، موصل، رجب، دیار بکر و جزیره دیدار کرد و با محدثان و حافظان حدیث گفت و شنید. سپس به دمشق بازگشت و ازدواج کرد.

سفر دوم: ابن عساکر در 529/هـ/1135م. به قصد خراسان و از راه آذربایجان حرکت کرد. در این سفر با سمعانی صاحب انساب در مرو دیدار کرد و همراه او به نیشابور و هرات رفت. در این سفر 4 ساله در نیشابور، مرو، مزار، سرخس، ابیورد، طوس، بسطام، بیهق، دامغان، زنجان، تبریز، ری، اصفهان، حلوان و همدان حدیث گفت و شنید. شمار اساتید او را در حدیث بالغ بر 1300 مرد و بیش از 80 زن نوشته اند. (16)

او کتاب «الاربعمین البلدانیه» را در این سفر نگاشت که چهل حدیث در چهل مکان، در چهل موضوع از چهل محدث، شنیده بود.

این دو نمونه ای از محدثان شیعه و اهل سنت بود که به آن اشارت شد.

برای فراگیری دانش فقه نیز بسیاری از فرهیختگان به گردشگری پرداختند و سرزمین های گوناگون را در نور دیدند، تا از محضر بزرگان بهره برند. از جمله شافعی بود که هم در عراق و حجاز بوده و هم در مصر به سر برده است. علامه حلی، شهید اول و ثانی، کراجکی و شیخ بهائی را میتوان از دانشمندان شیعه به عنوان نمونه معرفی کرد. سفرهای علمای شیعه سبب آگاهی آنان از آرای فقهای اهل سنت و ارائه دیدگاههای نو میشد؛ از این روست که دیدگاه های علامه حلی و دو شهید از برجستگی خاصی برخوردار است و فروعهای بیش تری را مطرح کرده اند.

در دانش عرفان بزرگان صوفیه برای کسب معنویت و بهره بردن از محضر بزرگان به گردشگری میپرداختند و این امر در میان عرفا از ویژگی خاصی برخوردار است. حلاج (م: 309هـ/922م.) ابن عربی (م: 638هـ/1241م.) مولوی (م: 670هـ/1271م.) نسفی (م: 616هـ/1219م.) مؤلف المصباح فی التصوف و... بارها به سیاحت پرداخته اند. آنان افزون بر فراگیری دانش به نشر اندیشه خویش در این سفرها دست میزدند و مریدان دلباخته ای را با خود همراه میساختند. (17) در علوم دیگر نیز، این گردشگری معمول بود پختگی اندیشه های افرادی مانند: بوعلی و سعدی از سفرهایی نشأت میگیرد که در آن به تجربه اندوزی پرداخته اند.

2. تبلیغ: نشر اندیشه اسلامی یکی دیگر از انگیزه های گردشگران مسلمان بود. برخی از سفرنامه نویسان انگیزه سفر خویش را نشر احکام دینی دانسته اند.

احمد بن فضلان بن عباس بن راشد، از گردشگرانی است که هدف اصلی خویش را تبلیغ و آشنا ساختن مردم بلغار با اسلام معرفی کرده است. وی در صفر 309هـ/921م. همراه گروهی به عنوان فرستاده خلیفه عباسی المقتدر با، به جانب بلغارستان حرکت کرد. علت این ماموریت این بود که پادشاه بلغار و مردمش در ایام المقتدر، مسلمان شدند و او نماینده ای را نزد خلیفه فرستاد و از او خواست کسی را بفرستد تا به آنان نماز و احکام دینی بیاموزد. برای آنها مسجد بسازد و منبری نصب کند، تا در تمام شهرها و اقطار مملکت، اسلام را معرفی کنند و خود را از پادشاهان مخالف حفظ کند. (18)

یا قوت حموی مینویسد: از چگونگی اسلام آنها اطلاعی ندارد و فقط اطلاعات وی از رساله ابن فضلان است. (19) یا قوت از این سفرنامه در معرفی شهرهای: خوارزم، باشگرد، بلغار، اتل، روس و خزر، استفاده کرده است. بارتولد: معتقد است ایتخت بلغارها که ابن فضلان به آن جا رفته، نزدیک روستای کنونی

بلغاری، واقع در جمهوری خود مختار تاتارستان شوروی سابق است. (20)

از دیگر جهانگردان شیخ احمد قمی است. وی، در سال 922/هـ 543م. در قم متولد شد و در زمان حکومت صفویه که گروه هایی از طلاب و روحانیون ایرانی همراه تجار و گردشگران علاقه مند برای تبلیغ و تجارت به سوی دیگر کشورها میرفتند، شیخ احمد قمی نیز به سیام (تایلند) رفت و ده سال به تبلیغ پرداخت و در شهر آیوتایا شهرت زیادی پیدا کرد و شماری را مسلمان کرد و با خانمی از خانواده های بزرگ و سرشناس آن جا ازدواج کرد. تبار وی هم اکنون مسلمانان تایلند را تشکیل میدهند و در سال 1385/هـ 1965م. سنگ قبر وی مشخص شد و یکی از نوادگان او به نام احمد، همراه با دیگر نوادگانش که شماری بودایی نیز هستند، مقبره ای برای وی ساختند. (21)

به نظر میرسد که ارتباط دربار صفویه با سیام و منطقه تایلند، زیاد بوده است. در سال 1096/هـ 1685م. محمد ربیع بن محمد ابراهیم به عنوان واقعه نویس همراه با هیاتی به سرپرستی محمد حسین بیک به سوی سیام رفت. محمد ربیع سفرنامه خود را به نام «سفینه سلیمانی» نگاشت و گزارش نسبتاً خوبی ارائه داد. (22)

مسلمانان اندونزی اسلام خود را مرهون دو گردشگرتاجر عرب ایرانی نژاد، به نامهای: عبداﷲ عریف و برهان الدین شاگرد وی، بودند که از بارزگانان مقیم گجرات هند به شمار میرفتند. (23) بنا براین، تبلیغ اسلامی یکی از انگیزه های گردشگران مسلمان و تاجران مؤمن بوده است.

3. آشنایی با جهان: شماری از سیاحان مسلمان درصدد بودند با سرزمینهای مختلف آشنا شوند و از آغاز سفر خویش نیز در پی آگاهی و اطلاع از وضعیت شهرها، آداب و رسوم و شگفتی های تاریخی و منطقه ای بودند و در ضمن از فراگیری دانش و آشنایی با دانشمندان بزرگ غافل نبودند. اینان دست آوردهای سفر خویش را در گزارش رخدادهای خلاصه نمی کردند، بلکه با استفاده از آن به نگارش تاریخ و جغرافیا دست میزدند و یا به روشنگری مسائل علمی میپرداختند.

4. مأموریت رسمی: گروهی از جهانگردان، سفیران و نمایندگان دولت ها و حکومتهای دینی بودند که به سرزمین های دیگر اعزام میشدند. آنان در ضمن انجام مأموریت خاطرات خود را مینگاشتند و به تشریح وضعیت اجتماعی مردم آن منطقه ها و سرزمین ها و آداب و رسوم آنان میپرداختند. سفرنامه ابو دلف در یک مأموریت رسمی نگاشته شده است.

در این راستا، آثار گردشگران مسلمان را میتوان به 2 دسته کلی «سفرنامه ها» و «دیگر آثار» تقسیم کرد. گونه دوم آثار را گردشگران مسلمان در هنگام سفر و یا پس از آن در زمینه های گوناگون نوشته اند که از جهاتی از سفرنامه ها مهم تر است؛ زیرا موضوع خاصی را تحقیق میکردند و بر گزارش صرف برتری دارد و دارای نوآوری و نکته های شگفت فراوانی است و نشان میدهد که چگونه گردشگری در انتقال دانش ها و آداب و عقائد به مراکز علمی نقش داشته و زمینه و موضوع مباحث جدید را فراهم میساخته است.

در این مقاله پیش از «دیگر آثار»، پرداخت به «سفرنامه ها»، را در دستور واکاوی قرار خواهیم داد. به صورت اجمالی اشاره میشود که این دسته از آثار گردشگران مسلمان در سه عنوان قابل استخراج و ارائه میباشد:

1. کتابهای جغرافیا.

2. کتابهای تاریخ.

3. کتابهای آداب و عقائد.

لیکن چنانچه گفته شد به منظور خلاصه نگری و وفور مقاله های نگارش شده پیشین در این حوزه، صرفاً به عنوان سوم (آداب و عقائد) از دسته دوم در کنار گفتار «سفرنامه ها» از دسته اول، خواهیم پرداخت.

آداب و عقائد

از دیگر زمینه هایی که گردشگران مسلمان به آن توجه داشته اند بررسی آراء و عقاید و آداب جامعه ها بوده است. بیش تر گردشگران در هنگام سیاحت به این نکته ها توجه داشته اند و عقائد و رسوم مردم جاهای دیده شده را در کتاب های جغرافیا و تاریخ و یا سفرنامه های خویش نقل نمیکرده اند و به جهت اهمیاتی که به این مهم داشته اند، گاهی گزارش هایی آورده اند که باور آن مشکل است. در مثل ابودلف در سفرنامه خود مطرح میکند: «در کرمانشاه، بعد از طرح نقشه ای، ساختمان کامل آن ظاهر شد». (24) و ابن بطوطه از آداب و رسوم ویژه مریدان قطب الدین حیدر در تربت حیدریه سخن گفته است. (25) و ابن

فضلان به بیان شیوه و آداب غذاخوری پادشاه بلغار پرداخته است. (26)

در جمع گردشگران مسلمان در بخش عقائد، میتوان از دانشمند بزرگ اسلامی ابوریحان بیرونی محمد بن احمد خوارزمی (440-362ه/1048-973م.)، نام برد که با سفر به هند پژوهش‌های گسترده‌ای درباره عقائد هندیان داشته است که آن را در کتاب «تحقیق ماللهند» آورده است. در این کتاب پس از نگاه کوتاهی به زندگی هندویان، عقائد آنان را در گزاره‌های ذیل ارائه داده است.

1. اعتقاد هندیان به خداوند

2. اعتقاد هندیان به موجودات عقلی و حسی

3. سبب فصل و تعلق نفس به ماده

4. احوال ارواح پس از مرگ و رفت و آمد آنها به طور تناسخ در دنیا

5. ذکر مجامع و جایگاه‌های پاداش اعمال از جنت و دوزخ

6. چگونگی‌های از دنیا و نشان دادن راهی که ما را به این مقصود میرساند. (27)

بیرونی در آثار دیگر خود از جمله «آثار الباقیه» و... به عقائد و آداب ملتهای گوناگون پرداخته است.

بیرونی در منطقه خوارزم در شهر «کاث» به دنیا آمد و بعد از حوادثی که در منطقه وی رخداد، به خراسان روی آورد و از آن جا به طبرستان رفت و از آن جا به گرگان. آثارالباقیه را در سال 391ه/1001م. در گرگان نگاشت، سپس به میهن خود بازگشت. آن گاه به دربار غزنویان به «غزنین» رفت و در 416ه/1025م. سال فتح سومنات به دیار هند رفت و زبان سانسکریت آموخت و سپس تحقیقات خود را درباره هند منتشر ساخت. (28)

شماری از دانشمندان نیز، در هنگام گردش به خاطر نیازی که در سرزمین‌ها و اماکن گوناگون احساس میکردند، به نگارش کتاب‌های عقیدتی پرداخته و از عقائد خویش دفاع میکردند.

تجريد الاعتقاد خواجه نصيرالدين طوسي (م 672هـ/1274م.) چنين است كه دانشمندان شيعه و اهل سنت بر آن شرح و حاشيه نوشته اند.

علامه حلي (726هـ/1326م.) از ديگر دانشمندان شيعه است كه سفرهايي به جاي هاي گوناگون ايران داشته است. علامه كتاب «كشف اليقين في فضائل اميرالمؤمنين(ع)» را در شهر سلطانيه براي سلطان محمدخدا بنده نگاشت (29) و رساله «سعديه» را، كه خلاصه اي از اصول و فروع دين است، براي خواجه سعدالدين ساوجي وزير غازان و خدا بنده. (30)

و شماري از رساله ها و كتابهاي خود را در پاسخ به شبهه هايي نگاشت كه به گونه طبيعي در طول سفر با آن روبه رو شده بود.

سفرنامه ها

تمام سفرنامه ها گزارش هاي جغرافيايي دارند و نويسندگان آنها، زمان رسيدن به شهرها را ياد ميكنند و از آداب و رسوم مردم، بناهاي ديده شده و... گزارش ميدهند؛ اما در كتابهاي جغرافيا كه بر اساس گردشگري نگارش يافته، نويسنده پس از عنوان شهر، به شرح آن ميپردازند و فاصله آن را با شهرهاي ديگر گزارش ميدهد. از آن جا كه گردشگران مسلمان بسيارند و سفرنامه هاي فراواني به جاي گذاشته اند ناگزير، به شماري از آنها اشاره ميكنيم و فقط در مواردی به شرح بيش تر ميپردازيم.

1. سفرنامه احمدابن فضلان: وي در زمان المقتدر بالله به منطقه بلغار رفت. آغاز سفر او صفر سال 309هـ/921م. بوده و در 12 محرم 310هـ/922. به نزد پادشاه بلغارمي رسد. اين سفرنامه در مجموعه اي از كتابهاي خطي آستان قدس رضوي شناخته شد و پس از انتشار سيد ابوالفضل طباطبائي آن را ترجمه کرده و اين ترجمه تاکنون دوبار انتشار يافته است.

2. سفرنامه ابودلف، مسعرين مهلهل خزرجي ينبوعي: وي در مدينه متولد شد و در سالهاي 301-331هـ/913-942م. در دربار شاهزاده ساماني، ناصر بن احمد بن اسماعيل به سر برد و در سال 331هـ/942م. به هند سفر و از کشمير، کابل، سيستان و مالابار و در سال هاي 331 تا 343هـ/964-942م. از شهرهاي مختلف ايران ديدن کرد. (31) سفرنامه وي وجود دارد. او آنچه نزد عوام شهرت داشته در

3. سفرنامه ابوالقاسم محمد بن حوقل نویسنده کتاب صورة الارض: این اثر به گونه کتاب های مسالک و ممالک است سفرهای وی نزدیک به سی سال طول کشید. او سفر خود را از مدینه السلام بغداد در روز پنجشنبه هفتم رمضان 331هـ/943م. آغاز کرد و در تمام دنیای اسلام به گردش پرداخت و به تعبیر خودش برای هر منطقه ای تصویر و شکلی قرارداد که موضع و جایگاه آن مشخص باشد. (32) وی در سال 340هـ/951م. اصطخری صاحب المسالک الممالک را ملاقات کرده است. زمان نگارش کتابش را سال 367هـ/977م. دانسته اند. (33)

4. سفرنامه حکیم ناصرخسرو قبادیانی مروزی (481-394هـ/1088-1004م.): این اثر از مشهورترین سفرنامه ها به زبان فارسی است. ناصرخسرو سفر خود را در 23 شعبان 437هـ/1045م. از مرو به جانب سرخس آغاز کرد و در روز سه شنبه 26 جمادی الاخری سال 444هـ/1052م. به مدت شش سال و هفت ماه و 22 روز به پایان برد. از شهرهای ایران، مصر، سوریه، مکه و مدینه، بیت المقدس (34) و دیگر مناطق اسلامی دیدن کرد و گزارش های مفیدی از این دیدارهای خود به جای گذاشت.

5. سفرنامه ابوالفتح کراچکی (م 4449هـ/1057م.) صاحب کنزالفوائد: وی گزارشهای متفرقی از آن در کتاب خویش: کنزالفوائد داده که در مقدمه آن اشارت رفته است. ابن ابی طی حلبی، در شرح حال حسن بن بشر بن علی بن بشر طرابلسی به آن اشاره کرده است. (35)

5. سفرنامه ابراهیم بن یعقوب طرطوشی (م: 478هـ/1085م.): سفرنامه وی «الاخبار المستفاة» نام دارد و به فرانسه و آلمان سفر کرده و قزوینی از کتاب وی گزارش داده است. (36)

6. سفرنامه ابوالقاسم، احمد بن سلیمان بن خلف تحبیبی اندلسی (493هـ/1100م.). (37)

7. سفرنامه محمد بن رشد مالکی (520 595هـ/1200م.). (38)

8. سفرنامه ابن جبر ابوالحسن محمد بن جبر اندلسی (614-540هـ/1218-1145م.) که در تاریخ 578هـ/1183م. نگاشته شده و به تازگی ترجمه آن را آستان قدس رضوی منتشر کرده است.

9. سفرنامه محمد بن علی بن محمد انصاری به نام «عیون الاخبار» وی در این اثر، سفر خود را به سراسر

سوریه، فلسطین و مصر در سالهای 585 هـ/1142م. شرح کرده است. (39) وی در اسبوط مصر به مدت بیست سال قاضی بود و در سال 600 هـ/1204م. در همان جا درگذشت. (40)

10. سفرنامه شیخ ابوالحسن علی بن ابی بکر هروی به نام «الاشارات الی معرفة الزیارات». این کتاب گزارش مختصری است از مکان های زیارتی که شیخ هروی بازدید کرده و اظهار میدارد که بسیاری از آنچه که گذشتگان گفته اند از بین رفته است. او به شهرهای شام، عراق، خراسان، مغرب، یمن و شهرهای فرنگ و مصر و روم سفر کرده است. پادشاه فرنگ از او خواسته که در دیار وی بماند، ولی شیخ هروی نپذیرفته است و از زاهدانی است که بدون سرمایه و زاد و توشه به سیاحت پرداخته است و در سال 611 هـ/1215م. چشم از جهان فرو بسته است. (41)

11. سفرنامه نباتی (42) (م: 636 هـ/1239م.).

12. سفرنامه ابومحمد عبدی (م: 688 هـ/1289م.) اهل والنسیا که از سفر خود به سراسر آفریقای شمالی گزارشی نوشته است. او در سفر زیارتی خود به مکه و در بازگشت از این مسیر در گذشته است. (43)

13. سفرنامه های طیبی (44) (م: 698 هـ/1299م.).

14. سفرنامه تجانی (45) (م 708 هـ/1308م.).

15. سفرنامه محمد بن عمر بن محمد بن رشید فهری سبتی ادیسی (721-657 هـ/1259-1321م.) وی در سبته چشم به جهان گشود. (46) وواعظ مسجد اعظم غرناطه بود. وی در سال 683 هـ/1283م. سفری به مصر و شام و حرمین شریفین داشت و سفرنامه خود را «ملء العیبة فیما جمع بطول الغیبة فی الرحلة الی مکه وطیبة» نام نهاد. (47) این کتاب در شش جلد تنظیم شده بود که ابن حجر به آن دست یافته و از آن بهره برده است.

16. سفرنامه شرف الدین ابوعبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم لواتی طنجی، معروف به ابن بطوطه (777-703 هـ/1376-1303م.) با نام «تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار» از سفرنامه های معروف و مفصلی است که گزارش هایی درباره جهان دارد. او، سفر خود را در روز پنجشنبه دوم رجب 725 هـ/چهارم ژوئن 1325م. در بیست و دوسالگی از طنجه در مراکش آغاز کرد (48) و این سفر حدود سی سال طول کشید و آن گاه به مراکش بازگشت. (49)

17. سفرنامه عبدالرحمن ابن خلدون (م: 808هـ/1405م) صاحب مقدمه والعبر، از اندلس تا سمرقند بوده است. (50)

18. سفرنامه تقی الدین ابوعمر عثمان بن عبدالرحمن معروف به ابن الصلاح شهرزوری (م: 843هـ/1440م.) که به شرق سفرنموده و در آن نکته های مهم و سودمندی است. (51)

19. عبدالرزاق کمال الدین بن اسحاق سمرقند (887-816هـ/1482-1413م.) در هرات به دنیا آمد و در همان جا درگذشت. وی به عنوان سفیر به هندوستان رفت و پس از سه سال اقامت در شرق، کتاب «مطلع السعدین و مجمع البحرين» را نگاشت و در آن یافته های سفر خویش را گزارش داد. (52)

20. سفرنامه جلال الدین سیوطی (م: 901هـ/1496م.) به فیوم، مکه و دمیاطه. (53)

21. سفرنامه بدرالدین محمد بن رضی الدین غزی (م: 984هـ/1576م.) به منطقه روم که تقی الدین سبکی در طبقاتش از آن بسیار نقل میکند. (54)

سفرنامه های عصر صفوی

با تشکیل دولت صفویه (1148-907هـ/1736-1502م.) ورود گردشگران فرنگی به حوزه جهان اسلام فراوان شد؛ چرا که غرب به پیشرفتهایی دست یافته بود و دنبال منابع درآمد میگشت. در این روزگار مسلمانان نیز سفرهای گوناگونی را به دیگر مناطق اسلامی داشته اند. ویژگی سفرنامه ها این دوران محدود بودن آنها به حج و یا برخی سرزمینهای اسلامی است. با تشکیل حکومتی شیعی در ایران علمای جبل عامل به این کشور هجرت کرده و گروهی از آنان سفرنامه هایی در این باره نگاشته اند. دیگر سفرنامه مربوط به سفر به هند، مکه و مدینه است و از آن جا که از این زمان به بعد، سفرنامه ها زیاد شده فقط به برخی از آنها اشاره میشود:

22. سفرنامه شیخ عزالدین حسین بن عبد الصمد الحارثی (م: 984هـ/ 1576) پدر شیخ بهائی که از جبل عامل به ایران آمده و مدتی قاضی شهر هرات بوده و در هجر بحرین از دنیا رفته است. (55)

23. سفرنامه شیخ محمد بن علی بن محمد حرعاملی عموی صاحب وسائل که در سال 1081هـ/1670م. در گذشته است. (56)

24. سفرنامه سید علیخان مدنی شیرازی (م: 1120هـ/1707م) صاحب ریاض السالکین شرح صحیفه سجادیه که در سال 1075هـ/1761م. آن را نگاشته و گزارشهای سفر خود را به هند همراه با نکته های ادبی ارائه کرده است، به نام: «سلوة الغریب و اسوة الادیب». (57)

25. سفرنامه میرعبداللطیف خان شوشتری از 1190 تا 1216هـ/1801-1776م. به نام «تحفة العام» که گزارش هایی از نواحی جنوبی ایران، شوش، عراق و هند آورده است.

سفرنامه های شعری

از قرن دهم به بعد شیوه خاصی در نگارش سفرنامه ها رایج گردید. شماری از کسانی که به گردشگری پرداخته بودند، شرح سفر خویش را در شعر ارائه دادند که به نمونه هایی از آن اشاره میکنیم.

1. شیخ نجیب الدین علی بن محمد بن مکی، شاگرد صاحب معالم (م: 1011هـ/1603م.) و شارح اثنی عشریه. وی در هنگام سفر به شهرهای یمن، حجاز، ایران، هندو عراق، خاطرات خویش را در قالب شعر میسروده که اشعار سفرنامه او به حدود 2500 بیت میرسد. (58)

2. رحلة الشتاء والصیف، عنوان سفرنامه سید مهدی بن علی بحرانی (م: 1243هـ/1827م.) به کاظمین است که آن را به نظم درآورده است. او سه سفرنامه دیگر نیز دارد:

الف. سفر به ناجیه

ب. سفر به حیره

ج. سفر به کوفه

3. سفرنامه حبیب بن طالب بغدادی، ساکن جبل عامل که طی اشعاری در سال 1263هـ/1847م. نگاشته است. (59)

4. سفرنامه حج فقیه دانشمند حاج محمد بن حسن بن حاج محمد صالح (م: 1336هـ/1918م.) در هزار بیت. (60)

سفرنامه های زیادی از دوران قاجار به شهرهای فرنگ به جای مانده که یاد کرد آنها را لازم نمی دانیم.

غرب رفتگان عصر صفوی

بیش تر سفرنامه هایی که در عصر صفوی یاد کرده اند، از دانشمندان و علماء است که سفرهای محدودی داشته اند. با توجه به این که در آن زمان بسیاری از گردشگران غربی به ایران میآمدند که برابر گزارشی از 147 سفرنامه گردشگران فرانسوی در نیمه دوم سده هفده پنجاه و دو دوره آن درباره ایران بوده (61). گزارش کم تری از سفر گردشگران ایرانی به غرب دیده میشود. آیا ارتباط بین ایران و اروپا در عصر صفوی یک سویه بوده است؟ آیا کسانی که در سفرهای رسمی شرکت میکردند گزارشی از سفر خود ارائه نکرده اند؟ متأسفانه باید پذیرفت از گزارش سفرهای نمایندگان دولت ایران به غرب که شامل هلند، آلمان، انگلیس، پرتغال و حتی روسیه میشود، گزارش های پراکنده ای در دست است و برابر نظر شماری از صاحب نظران، سفرنامه ای وجود ندارد به دو علت:

1. شماری از کسانی که به دنیای غرب و اروپا گام نهاده اند و میتوانند با گزارش پیشرفت های اروپا مردم ایران را از آن آگاه کنند، پس از بازگشت به ایران دچار مرگ ناگهانی شدند؛ زیرا از نظر دستگاه حکومتی مأموریت خویش را به درستی انجام نداده بودند. از جمله دنگیتربیک روملو بود که در سال 1021هـ/1612م. به دربار فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا و پرتغال رفته بود. به محض ورود به ایران به فرمان شاه عباس مثله و به دار آویخته شد. و نقدعلی بیک که در سال 1036هـ/1629م. به دربار انگلستان رفته بود، از ترس کیفر شاه در مسیر ازگشت خودکشی کرد و شاه عباس از این کار او خیلی خوشحال شد و گفت اگر چنین نمی کرد:

«بدن او را به شمار روزهای سال تکه تکه میکردم و آن را در بازار میسوزاندم.» (62)

از این روی، به نظر میرسد در زمان ارتباط گسترده ایران با دنیای غرب، شاهان مستبد با سفیران خود به شایستگی رفتار نمی کردند، تا کسی جرات کند و یا فرصت داشته باشد سفرنامه بنویسد و اوضاع آن مناطق را گزارش دهد.

2. شماری از مأموران ایران، در روزگار صفوی پس از سفر به اروپا، دین خود را تغییر میدادند و از بازگشت به ایران خودداری میورزیدند، از جمله: امامقلی سلطان حق وردی و اوروج بیک بیات به سال

1011/1602م. در اسپانیا دست از عقائد تشیع خود برداشت و کیش کاتولیک را انتخاب کرد. از وی

گزارشهایی درباره سفرش به اروپا به جای مانده که به نام پادشاه اسپانیا نگاشته است. (63)

به نظر میرسد این دو عامل که دور نیست با توطئه پنهانی ماموران غربی بوده، در ناکامی این سفرها مؤثر بوده است.

لازم به یادآوری است که شماری از مسیحیان نیز، در آن زمان در ایران مسلمان شدند. (64)

گردشگران غرب

در آن زمان که تمدن اسلام شکوفا و پررونق بود گزارشی از گردشگران غرب در محدوده جهان اسلام ثبت نشده است؛ زیرا غربیان در دوران توحش قرون وسطایی به سر میبردند و دانشمندان غیرمسلمانی که در محدوده امپراتوری اسلامی بودند، جذب دستگاه خلافت و حکومت میشدند. بسیاری از شخصیتها و خاندانهای مؤثر و دارای موقعیت در اسلام، سابقه علمی غیر اسلامی دارند. گروهی از آنان پس از ورود به حوزه خلافت اسلامی مسلمان میشدند و یا فرزندان آنان اسلام را انتخاب میکردند. خاندان برامکه، پدر ابن خردادبه، خاندان نوبخت و خاندانهای با نفوذ دیگر از جمله اینان بودند. حتی افرادی مانند ابن مقفع که به نظر میرسد اسلام را نیز نپذیرفته بودند، در دارالترجمه خلافت به کار میپرداختند و اشخاصی مانند ابن میمون که یهودی بود، تمام کتابهای خویش را به عربی نگاشت و جزو دانشمندان جهان اسلام به شمار میآید. (65)

و این نشانه عظمت تمدن است که میتواند نیروهای گوناگون را با عقائد مختلف جذب کند. از این روست که ما تا قرن ششم هجری گزارشی دقیق از گردشگران غربی در حوزه اسلام نمی یابیم، گرچه به نظر می رسد افرادی از کشورهای غیرمسلمان اروپا به اندلس سفر کرده و به سیر و سیاحت میپرداخته اند. سفر گردشگران اروپایی غیرمسلمان به سرزمینهای اسلامی در آغاز جنبه پژوهشی داشته است و افراد به خاطر آگاهی از وضعیت اقلیتهای مذهبی و مراکز مربوط به آنها به گردشگری در دنیای اسلام پرداخته اند؛ اما به مرور که دنیای غرب رو به رشد علمی و اقتصادی نهاد و جهان اسلام به رکود گرایید، با هجوم گردشگران غربی به جهان اسلام روبه رو میشویم.

گردشگران غرب، به ظاهر هدف خود را دیدار از کشورهای معرفی می‌کردند که دارای سابقه تمدن کهن هستند و اظهار می‌کردند که می‌خواهند با دانش، فرهنگ و آداب این ملل متمدن آشنا شوند؛ اما در واقع هدف‌ها و انگیزه‌های دیگری را نیز دنبال می‌کرده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

1. تبلیغات مذهبی.

2. بهره‌وری سیاسی.

3. کسب منافع تجاری و امتیازات اقتصادی.

4. فراهم آوردن زمینه لازم اجتماعی و سیاسی برای صدور فرهنگ و کالاهای خود. (66)

برای آگاهی از انگیزه‌های مذهبی آنان توجه به این نکته کافی است که نخستین دستگاه چاپ که به سال 1048ه/1638م. به ایران آورده شد، از آن ارامنه بود و نخستین کتابی که چاپ کردند، کتاب مقدسی از آنان بود. (67) یعنی دنیای مسیحیت برای پیشرفت کار خویش از ابزار پیشرفته سود می‌بردند. در حالی که نخستین چاپخانه دولتی ایران پس از سال 1234ه/1819م. توسط میرزا صالح در تبریز به کار گرفته شد. (68)

باید توجه داشت که مأموریت گردشگران غربی ویژه موارد بالا نبود بلکه در موارد بسیاری آنها به خاطر مأموریت‌های ویژه به کشورهای اسلامی سفر می‌کردند. ایجاد مذهب وهابیت در میان اهل سنت و بهائیت در بین شیعیان از این گونه است.

گروههای گردشگر غربی

از هدفهای آنان که بگذریم، سفر اروپاییان به جهان اسلام، به دلیل‌ها و علاقه‌های گوناگون و در شکل‌های جورواجور انجام می‌پذیرفت.

1. تجار: شماری از گردشگران تجار بودند، از این روی مخارج سفر، کارهای دستی و کالا برای آنان اهمیت بیش تر داشته و در گزارش های خویش توجه به مسائل اقتصادی داشته اند. گروهی از این تاجران، توجه ویژه ای به اقلیت های مذهبی در جای جای سرزمین های اسلامی داشته و آمار دقیقی از آنها ارائه داده اند.

2. فرستادگان رسمی: توجه و دقت این گروه بیش تر به تشریفات رسمی بوده است و درباره شهر سازی، شرایط سفر و آداب و رسوم کشور مطالبی نگاشته اند و گاهی، با آنچه در کشور خود دیده بودند، مقایسه میکنند. گردشگران آلمانی از این دسته اند.

3. نجبا و دانشمندان: اینان به خاطر ماجراجویی، تفریح و یا تحقیق، به شرق مسافرت میکردند. بیش تر گزارش ها و آگاهی های جغرافیایی، علوم تاریخی، هنر، تشریح رسوم و مذاهب و قبایل و زبان ایران در عصر صفوی و زمانهای دیگر از تلاش اینان سرچشمه میگردد.

4. هیأت های مذهبی: شماری از گردشگران را هیأت های مذهبی تشکیل میدادند که نوشته های آنها درباره تجارت، ساختار اقتصادی کشور و مذاهب سرزمین اسلام است و بررسی ابزاری که برای گسترش تلاشهای آنها لازم است.

5. نیروهای متخصص: شماری از گردشگران را نیروهای متخصص و گاه آشنا به امور نظامی تشکیل میدادند. همین تخصص ها آنها را به قلب دربارها میبرد و دور نیست که این دسته هدفهای سیاسی پنهانی نیز در سر داشتند.

اینک به گزارشی از سفر گردشگران غرب به جهان اسلام و بویژه ایران میپردازیم، تا سیر فراز و فرود گردشگری و رمز آن نیز که در پیوند با تمدن و پیشرفت است، روشن گردد و با توجه به این که منابع ما بیش تر مربوط به ایران است، نام کسانی آورده میشود که به ایران آمده اند و ممکن است گردشگری در دیگر مناطق اسلامی نیز داشته باشند.

نخستین گردشگران غرب در دوره اسلامی

نخستین گردشگران غربی که در دوران تمدن اسلامی، به ایران و کشورهای اسلامی سفر کرده، بنیامین بن جناح، از اهالی تودلای اسپانیاست. وی در بین سالهای 560 تا 569 هـ/1165-1174م. در شرق به سیر و سیاحت پرداخته است. او، مردی تاجر پیشه از یهودان اندلس بوده است. او دوست داشته در شهرهای عالم سیر کند و در هر شهری با برادران یهودی خود و اوضاع آنان آشنا گردد. بنیامین سفر خود را از بارسلون آغاز کرده و عراق را در زمان خلیفه عباسی المستنجد بالله (خلافت 566-555 هـ/1170-1160م.) دیده بوده است جالب این است در گزارشی که از قدس دارد، تنها یک یهودی در آن شهر سکونت داشته است. (69)

دیدار او از ایران به روزگار حکومت سلجوقیان بوده است او ضمن دیدار با جوامع کلیمی به کار تجارت نیز، میپرداخته است. بنیامین پس از دیدار از شوش و چند شهر دیگر در غرب ایران، به هندوستان می‌رود. او نخستین گردشگر غربی است که بعد از دوران باستان درباره منطقه خلیج فارس مطالبی از خود به جای گذاشته است. بنیامین درباره شهر همدان و معبدی که در آن استر و مردخای مدفون است، توضیحاتی ارائه داده است. (70)

در ردیف وی میتوان از خاخام موسی پتاجیاد، یاد کنیم که در فاصله سالهای 582-576 هـ/ 1187-1181م. از زادگاه خود شهر پراگ چکسلواکی، سفر را آغاز کرده و از راه لهستان و روسیه به غرب ایران سفر آمده و درباره آرامگاه حضرت دانیال نبی و شوش گزارشی ارائه کرده است. (71)

گردشگران خارجی از قرن هفتم به بعد

حضور گردشگران غربی در منطقه اسلامی و ایران، گذشته از هدف های استعماری، به پیشینه تمدن کهن و اسلامی بستگی دارد. در این جا مناسب است فهرست مختصری از گردشگرانی که در قرن هفتم تا قرن دوازدهم به ایران آمده اند ارائه دهیم تا کسانی که بخواهند در این برهه تاریخی به تحقیق بیش تر بپردازند به آن مراجعه کنند.

1. مارکوپولو، گردشگر و جهانگرد معروف ونیزی در سال 669 هـ/1271م. با پدر و عموی خود از شهرهای ایران مانند تبریز، سلطانیه، ساوه و کاشان دیدن کرده است. (72)

2. حیوانی دمونته کورنیو، در سالهای 692-688ه/1293-1289م. مقارن با آخرین سالهای سلطنت ارغون به ایران آمده است.

3. ایکولده دامونته کروجه، قبل از سال 690ه/1291م. به سفر پرداخته است.

4. او دوریکو داپور دنون، ما بین سالهای 718-716ه/1318-1316م. به روزگار فرمانروایی سلطان ابوسعید خان بهادر، آخرین فرمانروای سلسله ایلخانان بزرگ مغول به ایران سفر داشته است.

5. فریرجوردانوس، سیاح دیگری است که ما بین سالهای 731-721ه/1331-1321م. به ایران سفر داشته است.

6. جیوانی دامار یونولی، نیز در فاصله سالهای 754-748ه/1353-1347م. در دوران حکومت ایلخانان کوچک از ایران دیدن کرده است. (73)

7. سفرنامه کلاویخو، سفیر پادشاه اسپانیا در دربار تیمور نوشته سال 809-806ه/1406-1403م. وی از اسپانیا به ایران آمده و از شمال غربی تا اقصی ناحیه شمال شرقی ایران را پیموده و از اوضاع اجتماعی، اداری و سیاسی ایران را در دوران تیمور گزارش داده است. (74) این سفرنامه، توسط مسعود رجب نیا، ترجمه شده است.

8. سفرنامه آمبروسیو کنتارینی که از سوی دولت ایتالیا و در جهت خدمت به مسیحیت و پیشرفت آن به دربار اوزن حسن، از پادشاهان آق قویونلو میآید و او را تشویق میکند با دولت عثمانی بجنگد و پس از آن ایران را ترک میکند و گزارش سفر خود را که از 1473 تا 1477م/877 تا 881ه. طول کشیده است در سفرنامه خود میآورد. (75)

9. سفرنامه ونیزیان در ایران، نوشته پنج سوداگر ونیزی در زمان آق قویونلوها (اوزن حسن)، ترجمه منوچهر امیری.

گردشگران غربی عصر صفوی

عصر صفویه دوران درخشانى از تمدن اسلامى، پس از حمله مغول است. آثار به جاي مانده از آن زمان بسیار است، و با این که برخى از آثار دوران صفویه را کارگزاران ناشایست قاجار از بین بردند. آوازه امپراتورى دولت ایران، و مقابله آن با دولت عثمانى سبب شد که دولت هاى اروپایى به آن توجه خاص داشته باشند و بیش تر دولت هاى مطرح اروپا، سفیر و یا نماینده به ایران اعزام کنند و گروهى نیز برای تجارت، که در آن زمان در ایران رونق داشت، به این کشور سفر کرده اند. و بیش ترین سفرهاى اروپاییان مربوط به این عصر است که از دوران طلایى تمدن اسلامى است. البته شمارى از اینان که سفرنامه نگاشته اند سفیر و یا مبلغ مذهبى بوده اند:

1. وینچنتود الساندري: از فرستادگان ونیزی بود که در سالهاى 977-982ه/ 1571-1574م. در ایران به سر میبرده است گزارش او شرح کاملی از دربار شاه طهماسب اول است. اطلاعات جالبی درباره نواحی و ممالک ایران، محصولات، خلق و خوی مردم، شخص شاه، وضع حکومت و دربار، چگونگی آداب و عادات و رسوم حاکم بر ایران، شیوه اداره دستگاه دادگستری و حکومت ایران در اختیار میگذارد.

2. ژرژتکناندرفن گابل: شاه عباس کبیر در سال 1007ه/ 1599م. آنتونی شرلی را همراه با یکی از درباریان خود به نام حسینعلی بیک به سفارتی مامور کرد.

تکناندر در گزارش خود ضمن توصیف مراسم بارعام و تشریفات دربار، به ذکر انگیزه های دشمنی ایران با ترکان میپردازد.

3. سفرنامه پیترو دلواله: وی از 4 ژانویه 1617 تا ژانویه 1623م/ 1026 1032ه. در ایران بوده است و پس از آن به هند میرود و در سال 1035ه/ 1626م. به ایتالیا باز میگردد.

4. دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا: به عنوان سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا در سال 1598/ 1621م. به دربار شاه عباس اول آمده و اقامت او در دربار ایران دو سال به درازا کشیده است.

5. آدام اولئاریوس: در سال 1053ه/ 1643م. از هامبورگ حرکت میکند و بعد از سفر به روسیه به ایران میآید دفتر چهارم سفرنامه وی مربوط به ایران است.

6. ژان شاردن: گردشگران فرانسوی است که در سال 1075ه/ 1664م. گذری به ایران داشته و در زمان شاه عباس دوم به ایران آمده و شش سال در اصفهان مانده و به سال 1670م/ 1081ه. به پاریس بازگشته است.

سپس با جواهرات گرانبها به اصفهان آمده و سه سال اقامت گزیده و سال 1088هـ/1677م. به اروپا بازگشته است. ترجمه جدیدی از سفرنامه وی توسط اقبال یغمائی انجام گرفته است.

7. ژان باتیست تاورنیه: از بزرگترین سیاحان قرن هفدهم میلادی است. وی بین سالهای 1041-1079هـ/1634-1668م. شش سفر به مشرق داشته و در تمام آنها به ایران سفر نموده است.

8. انگلبرت کمپفر: پزشک و دانشمندی بوده که با فرستادگان سوتوی در سال 1683م. عازم دربار شاه سلیمان شده است. هیأت همراه او در 29 مارس 1984م/1085هـ. به اصفهان رسیده اند. این سفرنامه توسط کیکاووس جهانداری ترجمه شده است.

9. سفرنامه سانسون: وی مبلغی مسیحی بوده که در زمان شاه سلیمان صفوی حکومت (1105-1077هـ/1666-1694م.) برای ترویج دین مسیح به ایران آمده است. او، به اقتضاء شغلش گزارشهای جالبی از موقعیت و مناصب روحانیون ایران ارائه داده است. گفتنی است در این مقطع زمانی و پس از آن حضور سیاحان اروپائی که برخی افسر نیز بوده اند، بیش تر میشود که گزارش آن از محدوده این مقال خارج است.

جمع بندی؛ باید ها و نبایدها

از آنچه گذشت نتیجه ها و فایده های گوناگونی در قالب بایدها و نبایدها به دست میآید که قابل ارائه است:

1. پیوندی ژرف میان تمدن و گردشگری است. گردشگری را میتوان از شاخصه های توسعه و تمدن دانست. کشورهایی که از رشد بالایی برخوردارند، گردشگران بیش تری دارند و ملتی که در ضعف و فقر به سر میبرد گردشگران کم تری دارد. لذا توجه به بایسته های گردشگری اسلامی ضمن احیای تمدن نوین اسلامی کارکرد اقتصادی خواهد داشت.

2. گردشگری نقش زیادی در انتقال دانش ها و فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی دارد. چنانچه ملتی خودباخته باشد، از فرهنگ بیگانگان متاثر میشود؛ اما اگر خود از فرهنگ پرمایه و سرشاری برخوردار

باشد و به خودباوري رسیده باشد، میتواند دیگران را تحت تاثیر قرار دهد. لذا فرهنگ غني و تمدن نوین ذاتي اسلام ناب محمدی(ص) میتواند تأثیرگذار جهانی باشد.

3. لازمه رشد صنعت گردشگری در کشورهایی که جاذبه های سیاحتی دارند، ثبات و امنیت است. برای جذب گردشگر، لازم است بستری آرام و مطمئن فراهم شود و بر آن تاکید و تبلیغ گردد. دیده شد که در دوران ناامنی، گردشگران کم تری به مقاصد مربوطه سفر کرده اند. در این راستا هم افزایش امنیتی بین کشورهای اسلامی به منظور توسعه گردشگری اسلامی بیش از پیش ضرورت مییابد.

4. گردشگران مسلمان، به طور کلی در سفرهای خود انگیزه های مثبت داشته اند و برای کسب دانش و تعالی آن تلاش میورزیده اند. در برابر شماری از گردشگران غرب هدفهای سیاسی را دنبال میکرده اند و در جهت ایجاد اختلاف و تفرقه میان مسلمانان تلاش داشته اند؛ از این روی، امروزه نباید از هدفهای سیاسی آنان غافل بود. این امر در سایه وحدت مسلمین در قالب نظام نامه ها و راهبرهای مشترک میتواند به عامل توسعه و احیای گردشگری اسلامی با حفظ هویت های سیاسی بیانجامد.

5. فقیهان و دانشمندانی که به گردشگری پرداخته اند، دیدگاه های آنان از ژرفا و پختگی بیش تری برخوردار است و با شبهه های مخالفان و پاسخ آنها آشنایی بیش تری دارند. ضرورت این امر برای اهل دانش و معرفت در سطح های آکادمیک و حوزوی روشن و پرواضح است؛ لذا نیازمند کاربردی سازی است.

بحث و نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شد روشن شود که تا چه اندازه گردشگری اسلامی و مؤلفه های آن در ایجاد تمدن نوین اسلامی اهمیت دارد. بدیهی است گردشگری صرف، هدف و مقصود نیست، بلکه وسیله و راهبرد است؛ از این رو باید فضای گفتمانی و ترویجی برای اشاعه ی آن در جامعه هدف مهیا شود و علاوه بر اندیشمندان، دولتمردان اسلامی نیز برای تحقق آن در سطح جوامع بکوشند. بنابراین گردشگری در تمدن اسلامی تجلی آیات و در عرصه عملی جهت ساز زندگی انسان بود اما امروزه چنین دیدی از گردشگری بنا به تقلید از مبانی نظری غرب و «فقدان اهتمام مسلمانان در تدوین مکتب نظری گردشگری اسلامی» دچار دگرگونی و تحول شده است. به عبارت گویاتر، فقدان نظام نامه نظری یا راهبرد آفرینی گردشگری در تمدن اسلامی و غرب زدگی گردشگری ما طرف یکصد سال گذشته، گردشگری را از هویت معنایی و معنوی خویش دور ساخته و گاه به

ضد آن تبدیل کرده است. باید اقرار کنیم همچنان که در علوم، نظام آموزشی خویش را به تقلید از غربیان آراستیم در گردشگری نیز در جنبه همان نظام افتادیم و گردشگری اسلامی مغفول ماند.

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در نطق اندیشمندانه خود در جمع حصار کنگره عظیم حج عنوان کردند: تمدن نوین اسلامی در راه است... به هر تقدیر، ان شاء الله شاهد تحقق وعده الهی و تشکیل تمدن نوین اسلامی در سراسر دنیا خواهیم بود: «من با اطمینان کامل میگویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». (76)

بدیهی است برای انجام هر کار، باید اول باور پیدا کنیم که این کار میتواند انجام شود. لذا باورداشتن به امکان تحقق مسائل، در حقیقت جاده را برای راه حل های خلاق و کاربردی هموار میسازد.

از این روی باور اینکه میتوان تمدن نوینی در جهان اسلام بر پایه ی گردشگری اسلامی و مذهبی ایجاد نمود مسیر حرکت را روشن و هموار خواهد ساخت. اهالی فن، کارشناسان، پژوهشگران و دست آخر مجریان و کارگزاران به ظرفیت عظیمی که در درون گردشگری اسلامی - اجتماعی امروز نهفته است، بپردازند. چرا که این ظرفیت در صورت جاری شدن در مسیر اصیل خود، فارغ از بسیاری مسائل ریز و درشت و پیچیده پیرامونی امروز، با یک روند شتابنده، شکوفایی تمدن نوین اسلامی را رقم خواهد زد؛ ان شاء الله.

پی نوشتها:

1. «تمدن اسلامي در قرن چهارم هجري» آدم متز، ترجمه: عليرضا ذكاوتي قراگزلو، 160/9، اميركبير، تهران.

2. «تاريخ تمدن»، ويل دورانت، ج 1/4، انتشارات علمي، فرهنگي، وي درباره وحدت مينويسد:

«شايد لازم باشد كه درميان مردم در عقايد اساسي و ايمان به غيب و به چيزي كه كمال مطلوب است وحدتي ايجاد شود، چه در اين صورت پيروي از اصول اخلاقي از مرحله سنجش ميان نفع و ضرر كار، تجاوز ميكند و به مرحله عبادت در ميآيد.»

3. سوره «عنكبوت»، آيه 20؛ «روم»، آيه 42؛ «نحل»، آيه 36؛ «نمل»، آيه 69؛ «انعام»، آيه 11؛ «آل عمران»، آيه 137.

4. سوره «يوسف»، آيه 109؛ «روم»، آيه 9؛ «فاطر»، آيه 44؛ «غافر»، آيه 21، 82؛ «محمد»، آيه 10.

5. سوره «حج»، آيه 46.

6. سوره «آل عمران»، آيه 137.

7. «كشف الطنون»، ج 46/.

8. «مسالك و ممالك»، ابن خردادبه، ترجمه دكتور حسين قره چانلو 82/، نشر نو، تهران.

9. همان مدرک 139/.

10. «تاريخ تمدن» دكتور شريعتي، ج 1/56؛ مجموعه آثار 11/.

11. «دائرة المعارف بزرگ اسلامي» ج 4/5.

12. «نهاد آموزش اسلامي»، دكتور منيرالدين احمد، ترجمه محمد حسين ساكت 19/، آستان قدس رضوي.

13. مجله «پیام یونسکو» شماره 259/37.
14. «الذریعه»، آقا بزرگ تهرانی، ج 10/165، دار الاضواء.
15. «معانی الاخبار»، شیخ صدوق 9/، مقدمه ربانی شیرازی 19/ 25.
16. «دائرة المعارف بزرگ اسلامی»، ج 4/294 292.
17. «تاریخ التراث العربی»، فواد سزگین، ج 4 فی العقائد والتصرف 137/، 138، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم.
18. «سفرنامه ابن فضلان»، ترجمه سید ابوالفضل طباطبائی، چاپ دوم انتشارات شرق، تهران.
19. «معجم البلدان»، یاقوت حموی، ج 160/486، دار احیاء التراث العربی.
20. «دائرة المعارف بزرگ اسلامی»، ج 4/403.
21. مجله «نامه فرهنگ»، شماره 9/163، 166.
22. «نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب»، دکتر عبدالهادی حائری 164/، امیرکبیر، تهران.
23. «جهان اسلام»، مرتضی اسعدي، ج 1/285.
24. «سیری در سفرنامه ها» فواد فاروقی 23/، مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
25. «سفرنامه ابن بطوطه»، ترجمه علی موحد، ج 1/441، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
26. «سفرنامه ابن فضلان» 82/.

27. «تحقيق ماللهند»، ابوريحان بيروني، ترجمه قسمت فلسفه، اكبر دانا سرشت 7/، انتشارات ابن سينا.

28. «دائرة المعارف تشيع»، ج 2/576؛ «خدمات مسلمانان به جغرافيا» 42/.

29. «ارشادالاذهان» ج 1/99، مؤسسه نشر اسلامي، قم.

30. همان مدرک 92/.

31. «خدمات مسلمانان به جغرافيا» 36/.

32. «صورة الارض» ابوالقاسم بن حوقل نصيبي، 3/، دار صادر، بيروت.

33. «خدمات مسلمانان به جغرافيا» 38/.

34. «سفرنامه ناصر خسرو»، با تصحيح و تعليق دكتر محمد دبیرسیاقی/پانزده، كتابفروشي زوار.

35. «الذريعة»، ج 10/165.

36. «دائرة المعارف الاسلاميه»، ج 7/22، 25.

37. «معجم المؤلفين»، عمررضا كحاله، ج 1/237؛ «كشف الطنون» ج 1/836.

38. «كشف الطنون»، ج 1/835.

39. «خدمات مسلمانان به جغرافيا» 56/.

40. «معجم المؤلفين» ج 11/59.

41. «كشف الطنون» ج 1/96؛ «موسوعة العتبات» قسم المكة، ج 2/147، مؤسسه اعلمي بيروت؛ «دائرة المعارف الاسلاميه»، ج 7/30.

42. «دائرة المعارف الاسلاميه»، ج 7/30.

43. همان مدرک 30/.

44. همان مدرک 30/.

45. همان مدرک 30/.

46. «الاعلام» ، زرکلي، ج 6/314.

47. «كشف الطنون» ج 1/836.

48. «سفرنامه ابن بطوطه»، ترجمه، محمد علي موحد ج 1/6، سازمان انتشارات علمي و فرهنگي.

49. «خدمات مسلمانان به جغرافيا» 50/.

50. «كشف الطنون»، ج 1/835; «الذريعة»، ج 10/165.

51. «كشف الطنون»، ج 1/835.

52. «خدمات مسلمانان به جغرافيا» 61/.

53. «كشف الطنون»، ج 1/836; «الذريعة»، ج 10/165.

54. همان مدرک.

55. «الذريعة» ج 10/167.

56. همان مدرک.

57. همان مدرک، ج 12/1224.
58. «الذریعه»، ج 10/167.
59. همان مدرک.
60. همان مدرک 170/.
61. «نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران...» 111/.
62. همان مدرک 159/.
63. «همان مدرک» 160/.
64. «سفرنامه شاردن»، ترجمه اقبال یغمائی، ج 2/619، انتشارات توس، تهران.
65. دائرة المعارف بزرگ اسلامی»، ج 4/2.
66. «سیری در سفرنامه ها» 12/.
67. «نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران»، دکتر عبدالهادی حائری 150/، امیرکبیر.
68. همان مدرک 312/.
69. «موسوعة العتبات المقدسه»، جعفر خلیلی، ج 5/147، قسم القدس، ج 2.
70. «مسافران تاریخ»، مسعود نوربخش 59/؛ «فرهنگ معین»، ج 5/135، نشر جیران.
71. همان مدرک 59/.

72. «مساfran تاريخ» 87/؛ «فرهنگ معين» ج 5/358.

73. «مساfran تاريخ» 91/، 92، 93. چاپ دوم اين كتاب با عنوان «با كاروان تاريخ» منتشر شده است.

74. «فرهنگ معين»، ج 5/767؛ ج 6/1586.

75. «سيري در سفرنامه ها» 36/.

76. «آيت الله» خامنه اي، سيد علي، پيام به مناسبت كنگره عظيم حج در آذر ماه 1387، دفتر حفظ و نشر آثار آيت الله سيد علي خامنه اي (ir.khamenei.www).

منابع

1. «قرآن كريم».

2. ابادري، يوسف و شريعتي، سارا و فرجي، مهدي (1390). فراروايت تمدن ها يا فرآيند تمدنها؟ خوتنشي از پروبماتيك فرهنگ - تمدن، فصلنامه تحقيقات فرهنگي، دوره چهارم، شماره 2.

3. جان احمدي، فاطمه، (1386). تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامي. قم: انتشارات معارف.

4. زمانبي، مصطفي، (1348). اسلام و تمدن جديد، انتشارات علميه قم.

5. غفوري، علي، (1381). تعريف فرهنگ و تمدن و اجزاي متشكله آن، فصلنامه گفتمان، شماره 6.

6. پهلوان، چنگيز، (1388) فرهنگ و تمدن، نشر ني.

7. مددپور، محمد، (1377). زندگي در برزخ تمدن غربي و تمدن اسلامي، تهران، كتاب نقد.

8. جهان بین فرزاد، معینی پور مسعود، (1393)، فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت الله خامنه ای، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی.